

بررسی عوامل مؤثر بر پدیده‌ی روسپی‌گری

دکتر سید احمد حسینی*، مرضیه آقایی**

چکیده: یکی از انحرافات‌ی که سلامت هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند، پدیده‌ی روسپی‌گری است که متأسفانه در تمام جوامع با شدت و ضعف وجود دارد. در این پژوهش تلاش شده است که عوامل مؤثر بر روسپی‌گری بررسی شود. جامعه‌ی آماری، ۶۰ نفر از زنان روسپی که از تیرماه تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۵ به جرم روسپی‌گری دستگیر شده و در زندان اوین شهر تهران دوران محکومیت خود را سپری می‌کنند، می‌باشد که به دلیل کم بودن حجم آماری از روش تمام شماری استفاده شده است. همچنین، با توجه به اینکه در این پژوهش در نظر است که گروه آزمایش (زنان روسپی) با گروه گواه (زنان عادی) مقایسه شوند، لذا زنان عادی ۱۷ تا ۶۰ ساله‌ی ساکن در محله‌هایی که زنان روسپی قبل از دستگیری در آنجا زندگی می‌کردند، جامعه‌ی آماری گروه زنان عادی را تشکیل می‌دهند. برای تعیین نمونه‌ی گروه زنان عادی، این گروه بر اساس سن زنان روسپی هم‌تاسازی شد و به‌صورت تصادفی از مناطقی که روسپیان قبل از دستگیری در آنجا ساکن بوده‌اند، نمونه‌گیری به‌عمل آمد. روش این پژوهش از نوع پیمایشی (علی - مقایسه‌ای) بوده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و آمار استنباطی، آزمون‌های مجذور خی، فیشر و آزمون تی استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که پایگاه اجتماعی خانواده، گرایش‌ات مذهبی والدین، وجود اعتیاد در خانواده، انحرافات اجتماعی و اخلاقی والدین و یا یکی از اعضای خانواده، روابط صمیمانه والدین با فرزندان، روابط صمیمانه‌ی والدین با یکدیگر، مشاهده‌ی روابط جنسی والدین، نوع سرپرستی، ازدواج مجدد والدین در دو گروه مورد مطالعه با ۹۵٪ اطمینان تفاوت معناداری دارد و این بدین معنی است که بین متغیرهای فوق و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. همچنین متغیر بعد خانوار در این پژوهش در دو گروه تفاوت معنی‌داری نشان نداد.

کلید واژه‌ها: انحراف اجتماعی، خانواده، روسپی‌گری، عوامل خانوادگی

مقدمه

با توجه به پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و صنعتی‌شدن جوامع و به دنبال آن سست‌شدن روابط عاطفی حاکم بر خانواده، مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ و افزایش حاشیه‌نشینی، زمینه‌ی مناسبی برای گسترش انحرافات اجتماعی فراهم شده است. یکی از انحرافات‌ی که

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

** کارشناس ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

سلامت هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند، پدیده‌ی روسپی‌گری است که متأسفانه در تمام جوامع با شدت و ضعف وجود دارد و چونان خوره‌ای به جان جوامع بشری افتاده است. این پاره فرهنگ که در دل اصیل‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به سان بیماری حاوی ویروس عمل می‌نماید، کمر حمایت بر استحاله‌ی فرهنگ انسانی حاکم بر جوامع بسته است. پژوهشگران همواره به دنبال یافتن علل یا عوامل مؤثر بر به وجود آمدن این پدیده بوده‌اند تا بتوانند راه مناسبی برای ریشه‌کن کردن این معضل بیابند. از آنجایی که رشد و تکوین اولیه‌ی هر فرد در خانواده شکل می‌گیرد، در صورتی که والدین صلاحیت کافی برای تربیت و هدایت فرد نداشته باشند، بحرانی ایجاد می‌شود که بحران هویت یا سرگشتگی نام دارد که بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگارانه آنان را می‌توان از این دیدگاه توجیه نمود. از این رو، برای پیش‌گیری از بروز چنین پدیده‌ای، لازم است علل و عوامل مؤثر بر بروز آن شناخته شود تا راهکارهای لازم شناسایی و ارایه گردد. در این پژوهش به بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر روسپی‌گری پرداخته شده است، باشد که با شناسایی این عوامل بتوانیم خانواده‌ها را در جهت رشد و تکوین اصولی شخصیت فرزندان یاری دهیم تا در آینده شاهد چنین پدیده‌ای نباشیم.

طرح مسأله

از زمانی که انسان پا به عرصه‌ی حیات گذاشت و خود و محیط پیرامونش را شناخت و زندگی در کنار دیگران را در اجتماع تجربه کرد، به‌طور طبیعی از عطش و جاذبه‌ی درونی خود که پیوسته او را به سمت جنس مخالفش سوق می‌داد آگاه شد، اما کشش و جاذبه در جنس مخالف همیشه مسیر درست خود را طی نکرده و تحت تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع مختلف، در پاره‌ای از مقاطع، ساکنان آن جوامع را مسحور خود ساخته است. تعجب برانگیز از آن جهت که اگر این جاذبه، میلی ناصحیح و رابطه‌ای نادرست به وجود آورده است، پس چگونه در این جوامع از گستردگی بسیار برخوردار گردیده و ملال آور از آن جهت که در بسیاری از موارد این عادت نادرست جنبه‌ی اعتقادی به خود گرفته و توانسته است در عمق روح خانواده‌ها رسوخ نماید. اما، به شهادت تاریخ، وجه غالب این رابطه‌ی نامیمون عمدتاً اقتصادی بوده است. رابطه‌ی تجاری میان زن و مرد همیشه زن را به عنصر عرضه‌کننده‌ی تن و دیگری (مرد) را به عنصر خریدار تبدیل کرده و موجب شده تا بازار خریداران جنسی در طول تاریخ همواره فعال نگاه داشته شود. لزوم پرداختن به عوامل خانوادگی که می‌تواند در تن دادن این زنان به چنین عملی تأثیرگذار باشد، از آن جهت می‌تواند حایز اهمیت باشد که حدود یک میلیون نفر بی‌خانمان در کشور زندگی می‌کنند که به نیازهای اولیه‌ی خود محتاجند، ولی حاضر به انجام

چنین عملی (روسپی‌گری) برای کسب درآمد و امرار معاش خود نیستند. لذا، به نظر می‌رسد که شرایط رشد و شکل‌گیری شخصیت این افراد با دیگر افراد جامعه باید تفاوت داشته باشد، که آنها برای کسب درآمد چنین عملی را انتخاب کرده‌اند. از طرفی شمار دختران فراری که زمینه‌ساز اصلی فعالیت روسپی‌گری هستند در هر سال افزایش نسبی می‌یابد، به طوری که رقم این گونه دختران در سال ۱۳۸۰ به ۶۰۰۰ مورد رسیده بود. پدیده‌ی زنان روسپی نه تنها سلامت امنیتی، اخلاقی، بلکه سلامت بهداشتی و روانی اجتماع را نیز به خطر می‌اندازد. تأثیرات این پدیده در سلامت جنسی زنان و مردان، از طریق گسترش برخی بیماری‌ها به ویژه ایدز، از آن جهت نگران‌کننده است که آمار تعداد مبتلایان به ایدز در سه ماهه‌ی سوم سال ۱۳۸۲ بنا به اظهار رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های وزارت بهداشت به ۵۷۸۰ نفر رسیده است. از طرفی توجه به این نکته مهم است که الگوی ابتلا به ایدز در ایران از اعتیاد تزریقی به روابط جنسی ناسالم در حال تغییر بوده و یکی از ارکان غیر قابل انکار در بحث روابط جنسی ناسلام، وجود زنان روسپی است. بنا بر گزارش‌های واحد مبارزه با مفاسد اجتماعی نیروی انتظامی، طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ تعداد ۲۶ نقطه یا کانون آسیب‌زا از نظر حضور روسپیان در شهر تهران مورد شناسایی قرار گرفته است. نگاهی به آمارهای مندرج در این گزارش‌های نشان می‌دهد، به طور متوسط سالانه حدود ۲۵۰ نفر به اتهام فساد خیابانی در شهر تهران دستگیر میشوند. پدیده‌ی زنان روسپی به عنوان یک آسیب اجتماعی با انواع دیگری از جرایم و مفاسد اجتماعی مرتبط است (شرافتی، ۱۳۸۴).

در سال‌های اخیر هر مشاهده‌گر دقیقی به خوبی می‌تواند در بررسی مشاهده‌ای خود در شهر تهران با زنان و دختران جوانی در سطح خیابان و معابر عمومی مواجه شود که با حرکت در خیابان و ایستادن در مناطق خاص شهر به خودنمایی مشغول هستند. روسپییانی که در سطح خیابان و در مقابل دیدگان عابران و رهگذران با مشتریان خود وارد معامله‌ی جنسی می‌شوند احساس ناامنی را در جامعه تقویت می‌کنند. از نظر جامعه‌شناختی، بی‌توجهی به این امر می‌تواند آثار مخربی داشته باشد زیرا مماشات با رفتارهای مجرمانه‌ی زنان، اذهان نوجوانان و جوانان را به تدریج به آنها عادت داده و جنبه‌های ناهنجاری این رفتار را کم‌رنگ ساخته و در درازمدت تعداد بیشتری از زنان را به این عرصه می‌کشاند. به طور کلی می‌توان گفت روسپی‌گری از اعصار کهن تا قرن حاضر، چه در شکل سنتی آن و چه در قالب مظاهر علنی و جلوه‌های جدید آن، کارکردهای مختلفی داشته و به ویژه در سال‌های اخیر تجارت زنان با اهداف جنسی به یکی از پر درآمدترین منابع تجاری در دنیا تبدیل گردیده است. از این رو، روسپیان به تدریج به عناصر مسخ‌شده‌ای تبدیل گردیده‌اند که کرامت و هویت خویش را به سرعت از دست داده و در خدمت دیگران قرار گرفته‌اند. با همه‌ی این اوصاف، با مشاهده‌ی زنان دیگر که شرایط

زندگی مشابه زنان روسپی را دارند، مثلاً فقر اقتصادی، مطلقه‌بودن و ...، این پرسش به ذهن می‌رسد که چرا این افراد به این رفتار تن نمی‌دهند و تلاش می‌کنند که سالم زندگی کنند و با کار سالم به امرار معاش بپردازند؟ همان‌طور که می‌دانیم، یک تفاوت عمده در ویژگی‌های شخصیتی و اعتقادی آنان، می‌بایست باعث گرایش عده‌ای به رفتارهای ضد اجتماعی از جمله روسپی‌گری و پرهیز عده‌ای دیگر از رفتارهای انحرافی گردد. با توجه به این که می‌دانیم شکل‌گیری شخصیت هر فرد در خانواده‌ای که در آن بزرگ شده است اتفاق می‌افتد، به عبارت دیگر خانواده در اجتماعی کردن غالب کودکان نقش مهمی ایفا می‌کند، ولی تأثیر جامعه را نباید نادیده گرفت (یاسایی، ۱۳۷۳).

اجتماعی‌شدن فرآیندی است که کودکان به کمک آن ارزش‌ها، اعتقادات و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنها انتظار دارد، می‌آموزند. خصوصیات کودک با خصوصیات و نحوه‌ی فرزندپروری والدین در کنش متقابل است (یاسایی، ۱۳۷۳). لذا در این پژوهش به تأثیر عوامل خانوادگی بر روسپی‌گری پرداخته شده است، چرا که خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اساسی در بروز انحرافات (به ویژه انحرافات جنسی نظیر روسپی‌گری)، همواره مورد مطالعه‌ی جدی پژوهشگران و اندیشمندان بوده است. بنیاد اجتماعی جوانان تحت تأثیر دو پدیده شکل می‌گیرد: یکی فردیت جوان (ویژگی‌های فردی) و دیگری ساخت‌های اجتماعی که بر آن تأثیر می‌گذارند که در این میان خانواده و گروه همسالان به‌عنوان مهم‌ترین ساخت‌ها مطرح می‌باشند (راسخ، ۱۳۸۳). ساترلند عواملی از قبیل بزهکاری سایر افراد خانواده، فقدان والدین، عدم کنترل فرزندان، ناسازگاری در منزل، اختلافات مذهبی، نامساعد بودن محل کار و سکونت، فشارهای اقتصادی را در خانواده موجب ارتکاب به بزه فرزندان می‌داند (خاکپور، ۱۳۵۴). در معدود پژوهش‌هایی که در خصوص روسپی‌گری به‌عنوان یک انحراف اجتماعی در داخل کشور صورت گرفته، به تأثیر عوامل خانوادگی در بروز روسپی‌گری اشاره شده است. یافته‌های مهم‌ترین پژوهش در زمینه‌ی روسپی‌گری در قبل از انقلاب، مربوط به خانم فرمانفرمائیان، نشان می‌دهد: ۵۶ درصد از روسپیان از نعمت سرپرستی پدر و مادر هر دو برخوردار بوده‌اند؛ ۸۵ درصد از روسپیان دارای رابطه خوب خانوادگی با پدر و مادر بوده، میانگین سنی آنها ۲۴/۸ سال، بیش از ۸۸ درصد آنها بی‌سواد، بیش از ۶۰ درصد روسپیان بین ۱۶ تا ۲۵ سالگی وارد کار روسپی‌گری شده‌اند (فرمانفرمائیان، ۱۳۴۹).

صدیق سروستانی به مدت ۵ سال بر روی زنان و دختران تحت پوشش بهزیستی پژوهش نموده و به این نتیجه رسید که ۵۴ درصد از ۶۰ درصد افرادی که مرتکب فرار از منزل شده‌اند،

علت این کار را مشکلات درون خانواده عنوان کرده‌اند. همچنین ۵۶ درصد این افراد بی‌سواد بوده و بیش از نیمی از افراد، مواد مخدر استعمال می‌کردند (سروستانی، ۱۳۷۲).

تاریخ به مواردی از روسپی‌گری اشاره می‌کند که هدف از آن کمک به جریان زندگی در اجتماع خانواده بوده است. هرودوت می‌نویسد: تمام دختران لیدی قبل از ازدواج خودفروشی می‌کنند تا بتوانند برای عروسی خود جهیزیه فراهم کنند، و امروز همین سنت در ژاپن وجود دارد و در آفریقا نیز متداول است (مانسینی، بی‌تا). ویل دورانت از قول ارسطو، ترس از ازدیاد جمعیت در یونان را منشأ پیدایش روسپی‌گری می‌داند (آریان پور، ۱۳۶۵).

جنبه‌ی اقتصادی و اجتماعی روسپی‌گری در سال‌های اخیر دیگر محدود به مرزهای جغرافیایی نیست، این جنبه‌ها امروز فراملی شده‌اند. در سال ۱۹۹۵ برآورد شده که درآمد‌های روسپی‌گری در تایلند بین ۵۹ تا ۶۰ درصد بودجه‌ی دولت را تشکیل می‌داده است. در سال ۱۹۹۸، روسپی‌گری بین ۲ تا ۱۴ درصد مجموع فعالیت‌های اقتصادی تایلند، اندونزی، مالزی و فیلیپین را تشکیل می‌داده است (بولتن، ۲۰۰۴). فحشا را می‌توان با عنوان برآوردن خواهش‌های جنسی در برابر پول تعریف کرد (صبوری، ۱۳۸۳). روسپی‌گری می‌تواند به‌عنوان هر مبادله‌ی جنسی تعریف شود که با بهره‌ی جنسی و احساسی برای عرضه‌کننده همراه نیست. اصطلاح به معامله‌ی پایاپای بی‌بندوبارانه‌ی جنسی توسط مرد یا زن برای کسب درآمد و تأمین معاش اطلاق می‌شود. نوع رابطه میان روسپی و مشتری، نوعی تحقیر متقابل است (کامکار، ۱۳۸۱). روسپی‌گری یعنی عرضه کردن خود برای خدمات جنسی در مقابل دریافت اجرت (اجتهادی، ۱۳۸۲).

ضرورت پژوهش

بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر روسپی‌گری از آن جهت که با شناخت این عوامل می‌توان در جهت پیشگیری از ورود دختران جوان و نوجوان آینده در این راه برنامه‌ریزی نمود، حایز اهمیت فراوان است. توجه به این مسأله از چند جهت ضرورت می‌یابد: از دیدگاه جامعه‌شناختی، تبیین علل و عوامل خانوادگی مؤثر بر این پدیده و آرایه‌ی پیشنهاد‌های لازم برای کنترل آن؛ از نظر اقتصادی کاهش هزینه‌های مربوط به دستگیری، محاکمه، اصلاح و تهذیب منحرفان؛ از دیدگاه اخلاقی، برای جلوگیری از انحطاط هر چه بیشتر جوانان و در نتیجه به خطر افتادن سلامت جامعه، ضرورت پرداختن به مسأله‌ی روسپی‌گری را بیش از پیش آشکار می‌سازد. ضمن این که پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند انسجام بیشتری در اظهارنظر مسئولان و متخصصان در خصوص وضعیت انحرافات اجتماعی در سطح کلان شهرها به وجود آورد.

آسیب‌های اجتماعی را نمی‌توان منتزاع از یکدیگر دانست. پدیده‌ی روسپی‌گری را نیز به‌عنوان یک آسیب اجتماعی نمی‌توان جدا از سایر پدیده‌های اجتماعی بررسی کرد. در بروز این پدیده عوامل متعددی نقش دارند که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرند؛ اما بیش از هر چیز لازم است عوامل خانوادگی مؤثر بر بروز این پدیده توصیف و تحلیل شوند.

مروری بر پیشینه پژوهش

هدف اصلی پژوهشی با عنوان «نگرش به جامعه‌شناختی به ویژگی‌ها و وضعیت زنان و دختران آسیب‌دیده‌ی اجتماعی در مراکز بازپروری»، بررسی وضعیت مراکز بازپروری زنان، دختران ویژه و میزان کارایی آنان در انجام وظایف خود و برای وضعیت پسران و دختران آسیب‌دیده‌ی اجتماعی در این مراکز می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش فوق را کلیه‌ی زنان و دختران تحت پوشش مراکز بازپروری سازمان بهزیستی شهر تهران تشکیل می‌دهد. جامعه‌ی آماری این پژوهش دائماً تغییر می‌کرده و از آغاز تا پایان پژوهش از ۲۳۰ تا ۶۵۰ نفر نوسان داشته است. این گروه شامل زنان اعزام شده از محله‌ی جمشید، معتادان در حال ترک، بازداشت‌شدگان توسط مأموران منکرات، متکدیان، بی‌سرپرستان و مطلقه‌های بی‌پناهی بودند که از بیم سنت‌های قبیله‌ای متواری شده و سرانجام به تهران رسیده و به اجبار و یا به اختیار در این مراکز اسکان یافته‌اند (سروستانی، ۱۳۷۲).

عادلین راسی در پژوهش خود سعی کرده است عوامل خانوادگی مؤثر بر روسپی‌گری در زنان ۱۵ تا ۳۵ سال مرکز بازپروری حریت مشهد را مورد بررسی قرار دهد. به این جهت، ۸ متغیر زیر در ارتباط با روسپی‌گری مورد توجه قرار گرفت: میزان طلاق، میزان اعتیاد، میزان بزهکاری، تعداد جمعیت خانواده، فقر خانواده، میزان اعتقادات مذهبی، میزان اختلاف خانوادگی و میزان ازدواج اجباری، جهت دست‌یابی به داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای تهیه و برای تکمیل آن از مصاحبه و مشاهده و همچنین بررسی اسناد استفاده شد و در پایان داده‌ها از طریق محاسبات آماری، تجزیه و تحلیل و نتایج زیر حاصل گردید: اعتقادات مذهبی خانواده، طلاق والدین، اعتیاد فرد، بزهکاری فرد و فقر خانواده بر روسپی‌گری تأثیر دارد (عادلین راسی، ۱۳۷۷).

شرافتی پور هدف از پژوهش خود را تعیین رابطه‌ی میان ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و خیابانی‌شدن زنان بیان می‌کند روش پژوهش وی پیمایشی بوده و جامعه‌ی آماری آن را زنان خیابانی تهران تشکیل داده و حجم نمونه ۱۵۰ نفر بوده است. ابزار گردآوری داده‌های آن پرسش‌نامه‌ای شامل ۹۶ پرسش بوده که با روش آماری توصیفی و استنباطی، به تجزیه و تحلیل دقیق رابطه‌ی میان متغیرها پرداخته و نتایج زیر حاصل شده است: رابطه‌ی میان

ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های اقتصادی، مشاهده‌ی زنان خیابانی در سطح شهر، خشونت خانوادگی، پیوند با جامعه، یأس و ناامیدی به‌عنوان متغیر مستقل و خیابانی‌شدن (متغیر وابسته) معنی‌دار بود، ولی عوامل گسستگی خانواده، همنشینی با خلافکاران و آنومی با خیابانی‌شدن زنان رابطه‌ی معنی‌داری نداشتند (شرافتی پور، ۱۳۸۴).

صابری در پژوهش خود با عنوان «بررسی ویژگی‌های خانوادگی- اجتماعی زنان روسپی در مقابل زنان غیر روسپی»، که از طریق مصاحبه با این افراد پرسش‌نامه‌ی مربوطه تکمیل گردید، به این نتیجه رسید که بین خود ارزیابی شده‌ی فرد، نوع روابط خانوادگی، احساس بی‌عدالتی نسبی در فرد و تحصیلات با روسپی‌گری بین دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود دارد، اما، بین قشر اجتماعی فرد، امکانات زندگی و ازدواج اجباری با گرایش فرد به روسپی‌گری در دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود ندارد (صابری، ۱۳۸۲).

مبانی نظری

رفتار انحرافی یا کجروی اجتماعی^۱ به تمام آن رفتارها، اعمال و نگرش‌هایی گفته می‌شود که به انتظارات فرد، گروه‌ها و نهادها سازگار نیستند (راسخ، ۱۳۸۳). به بیان دقیق‌تر، مفهوم انحراف یا کجروی شامل هر گونه رفتاری می‌شود که با هنجارهای اجتماعی هم‌نواپی ندارد (سخاوت، ۱۳۸۰).

در مورد علل کجروی اساساً سه نوع تبیین: زیست‌شناختی^۲، روان‌شناختی^۳ و جامعه‌شناختی^۴ وجود دارد.

دیدگاه زیست‌شناختی به نقش عوامل بدنی در ایجاد بیماری‌های روانی تأکید می‌کند (آزاد، ۱۳۷۶). در این دیدگاه، کجروی پدیده‌ای آسیب‌زا به حساب می‌آید که در درون فرد استقرار یافته است و در واقع ماهیتی طبیعی دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰) در این میان عوامل فردی مانند قد، جنس، سن، گروه خون و ویژگی‌های ژنتیکی برای تبیین علل زیست‌شناختی به‌کار گرفته می‌شوند (کی نیا، ۱۳۷۰).

دیدگاه روان‌شناختی، عوامل روانی را به‌عنوان علل رفتار مورد توجه قرار می‌دهد و با توجه به شخصیت و روان افراد کجرو چنین توجیه می‌کند که برخی از گونه‌های شخصیت، گرایش بیشتری به اعمال مجرمانه نشان می‌دهند (آزاد، ۱۳۷۶).

1- Social Deviation
3- Psychological Approach

2- Biological Approach
4- Sociological Approach

اما در تبیین جامعه‌شناختی، ریشه‌های بسیاری از کجروی‌های اجتماعی را باید در محیط و شرایط اجتماعی جستجو کرد (فرجاد، ۱۳۶۹)، زیرا ماهیت جرم به نهادهای اجتماعی بستگی دارد (صبوری، ۱۳۸۳). در این دیدگاه نقش مهم و اساسی کجروی بر عهده‌ی محیط اجتماعی است و شکل‌گیری رفتارهای منحرفانه به ساخت اجتماعی، شرایط و موقعیت‌های اجتماعی و گروه‌هایی که فرد به آن تعلق دارد، مربوط می‌شود.

بسیاری از انحرافات در شهرها در سایه‌ی بی‌توجهی خانواده‌ها صورت می‌گیرد. عوامل خانوادگی مؤثر در رخداد این انحرافات بسیارند که نقش هر یک باید با انجام پژوهش‌های دقیق مشخص گردد. خانواده اولین محل و عاملی است که در رفتار فرد تأثیر می‌گذارد. آنچه در این مورد بیشتر مورد توجه است آثار سوء نواقص و کمبودهای خانوادگی است که متوجه سایر اعضای خانواده نیز می‌باشد. همین کمبودها و اختلالات و آثار آن است که تحت شرایط خاص، فرد را در معرض فساد و تباهی قرار داده و آنها را به کجرفتاری سوق می‌دهد (شام بیاتی، ۱۳۷۲).

اصولاً خانواده اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهاد در روند اجتماعی کردن کودکان است. ستوده بیان می‌کند که بین روابطی که در کانون خانواده می‌گذرد و کجروی جوانان آن رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد (ستوده، ۱۳۸۲). خانواده‌ی از هم پاشیده و زندگی در محیط‌های آلوده‌ی منحرف‌کننده، عدم مراقبت دقیق والدین، اساس کجروی را در کودکی پایه‌گذاری می‌نماید که این امر در نوجوانی با شدت و حدت ظاهر می‌گردد (ستوده، ۱۳۸۳).

کودکان نگرش‌های اجتماعی را از خانواده می‌آموزند و چنانچه یکی از والدین آلودگی داشته باشد، فرزندان آنها بیش از هر کس در معرض خطر آلودگی قرار خواهند گرفت (شام بیاتی، ۱۳۷۲).

روش‌شناسی پژوهش

- روش پژوهش: روش پژوهش علی-مقایسه‌ای و از نوع پیمایشی می‌باشد.

- جامعه‌ی آماری: با توجه به این که این پژوهش به‌منظور شناسایی عوامل خانوادگی مؤثر بر روسپی‌گری در شهر تهران طراحی شده است، اما به دلیل پراکندگی زیاد روسپیان و عدم دسترسی به آنان به دلیل خاص بودن مسأله و محدودیت‌های فرهنگی موجود در شناسایی، دستیابی به کل افراد مورد نظر مقدور نیست، پس جامعه فاقد چارچوب نمونه‌گیری می‌باشد، لذا پژوهشگر به ناچار زبانی را که در تابستان سال ۱۳۸۵ به جرم روسپی‌گری دستگیر شده و

در زندان اوین دوران محکومیت خود را سپری می‌نمودند مورد پژوهش قرار داده است. همچنین، با توجه به این که در این پژوهش در نظر است که گروه آزمایش (زنان روسپی) با گروه گواه (زنان عادی) مقایسه شوند، لذا زنان عادی ۱۷ تا ۶۰ ساله‌ی ساکن در محله‌هایی که زنان روسپی قبل از دستگیری در آنجا زندگی می‌کرده‌اند، جامعه‌ی آماری گروه زنان عادی را تشکیل می‌دادند.

– افراد مورد مطالعه

افراد گروه آزمایش: در این پژوهش، گروه آزمایش زنان روسپی هستند که از تیرماه تا پایان شهریور سال ۱۳۸۵ به جرم روسپی‌گری دستگیر شده و در زندان اوین دوران محکومیت خود را سپری می‌کردند. با توجه به این که تعداد این زنان محدود بود، از روش تمام شماری استفاده شد.

افراد گروه گواه: برای تعیین نمونه‌ی گروه زنان عادی، این گروه بر اساس سن روسپی هم‌تاسازی شد و به‌صورت تصادفی از مناطقی که روسپیان قبل از دستگیری در آنجا ساکن بوده‌اند، نمونه‌گیری به‌عمل آمد.

– ابزار سنجش: در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه گردآوری شده است. به علت منع ورود پژوهشگر به داخل بندهای زندان، پرسش‌نامه‌ها در اختیار مددکار اجتماعی بند زنان زندان اوین قرار داده شد. پس از توزیع و جمع‌آوری، تعداد ۶۰ پرسش‌نامه پر شد که اطلاعات پرسش‌نامه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

– روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. آمار توصیفی برای توصیف وضعیت خانوادگی هر دو گروه استفاده شده و برای مقایسه‌ی وضعیت میان دو گروه از آزمون فیشر و در مورد متغیرهایی که از نوع اسمی و طبقه‌ای بودند، از آزمون مجذور خی استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که پایگاه اجتماعی خانواده (جدول شماره‌ی ۱)، گرایش مذهبی والدین (جدول شماره‌ی ۲)، وجود اعتیاد در خانواده (جدول شماره‌ی ۳)، انحرافات اجتماعی و اخلاقی والدین (جدول شماره‌ی ۴) و یا یکی از اعضای خانواده (جدول شماره‌ی ۵)، روابط صمیمانه والدین با فرزندان (جدول شماره‌ی ۶)، مشاهده روابط جنسی والدین (جدول شماره‌ی ۷)، نوع

سرپرستی (جدول شماره ۸)، ازدواج مجدد والدین (جدول شماره ۹) در دو گروه مورد مطالعه با ۹۵٪ اطمینان تفاوت معناداری دارد و این بدین معنی است که بین متغیرهای فوق و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. همچنین متغیر بعد خانوار در این پژوهش در دو گروه تفاوت معنی‌داری نشان نداد.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی دو گروه زنان عادی و روسپی مورد مطالعه بر حسب پایگاه اجتماعی

خانواده

گروه	پایگاه اجتماعی		پایین		متوسط		بالا		جمع کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
عادی	۱۰	۱۶/۷	۴۰	۶۶/۷	۱۰	۱۶/۷	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰
روسپی	۲۵	۴۱/۷	۲۶	۴۳/۳	۹	۱۵	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰
		$P^* = ۰/۰۰۹$		$df = ۲$		$X^2 = ۹/۴۵۱$				

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی دو گروه زنان عادی و روسپی مورد مطالعه بر حسب گرایش‌های مذهبی

والدین

گروه	میزان گرایش‌های مذهبی		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		جمع کل		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
عادی	۰	۰	۱	۱/۷	۱۰	۱۶/۷	۱۲	۱۶/۷	۲۰	۳۰	۳۷	۶۱/۷	۶۰	۱۰۰	
روسپی	۱	۱/۷	۴	۶/۷	۲۰	۳۳/۳	۱۷	۲۸/۳	۲۸	۴۵	۳۸	۶۱/۷	۶۰	۱۰۰	
		$P^* = ۰/۰۰۹$													

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی دو گروه زنان عادی و روسپی مورد مطالعه بر حسب وجود اعتیاد در

خانواده

گروه	اعتیاد در خانواده		خیر		بلی		جمع کل		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
عادی	۵۴	۹۰	۶	۱۰	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
روسپی	۴۶	۷۶/۷	۱۴	۲۳/۳	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
		$P^* = ۰/۰۰۵$		$df = ۱$		$X^2 = ۳/۸۴۰$			

جدول شماره‌ی ۴: توزیع فراوانی دو گروه زنان عادی و روسپی مورد مطالعه بر حسب انحراف اجتماعی

و اخلاقی یکی از والدین

گروه	انحراف در والدین		خیر		بلی		جمع کل		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
عادی	۵۴	۹۰	۶	۱۰	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
روسپی	۴۶	۶۰	۲۴	۴۰	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
		$P^* = ۰/۰۰۱$		$df = ۱$		$X^2 = ۱۴/۴۰$			

جدول شماره‌ی ۵: توزیع فراوانی دو گروه زنان عادی و روسپی مورد مطالعه بر حسب انحراف اجتماعی

و اخلاقی یکی از اعضای خانواده

گروه	انحراف در خانواده		خیر		بلی		جمع کل		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
عادی	۵۰	۸۳/۳	۱۰	۱۶/۷	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
روسپی	۲۸	۴۶/۷	۳۲	۵۳/۳	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
		$P^* = ۰/۰۰۱$		$df = ۱$		$X^2 = ۱۷/۷۲$			

جدول شماره‌ی ۶: توزیع فراوانی دو گروه زنان عادی و روسپی مورد مطالعه بر حسب میزان روابط

صمیمانه والدین با فرزندان

گروه	میزان گرایش مذهبی		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		جمع کل		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
عادی	۳	۵	۲۰	۳۳/۳	۳۷	۶۱/۷	۰	۰	۰	۰	۶۰	۱۰۰	
روسپی	۲۳	۲۸/۳	۲۵	۴۱/۷	۱۱	۱۸/۳	۱	۱/۷	۰	۰	۶۰	۱۰۰	
		$P^* = ۰/۰۰۱$		$df = ۳$		$X^2 = ۳۱/۰۲$							

جدول شماره‌ی ۷: توزیع فراوانی دو گروه زنان عادی و روسپی مورد مطالعه بر حسب میزان مشاهده

روابط جنسی والدین

گروه	میزان مشاهده روابط جنسی والدین		متوسط		کم		خیلی کم		اصلاً		جمع کل		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
عادی	۰	۰	۲	۳/۳	۶	۱۰	۵۲	۸۶/۷	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
روسپی	۱	۱/۷	۱۲	۲۰	۱۳	۲۱/۷	۳۴	۵۶/۷	۶۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰	
		$P^* = ۰/۰۰۱$											

ندارد به‌طوری‌که در خانواده‌ی ۹۰ درصد گروه زنان عادی، اعتیاد وجود نداشت، در حالی‌که این درصد در گروه زنان روسپی ۷۶/۲ درصد بوده است؛ شاید این امر به علت پایین‌بودن حجم نمونه بوده است.

در فرضیه‌ی چهارم مطرح شد که بین انحرافات اجتماعی و اخلاقی والدین که شامل خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی، رفت و آمد با افراد ناباب، خیانت به همسر، دزدی، روابط نامشروع و داشتن سابقه‌ی زندان می‌باشد و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. بررسی آماری این متغیر حاکی از آن است که بین دو گروه از این نظر تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به‌طوری‌که ۱۰ درصد گروه زنان عادی والدین دارای انحراف اجتماعی و اخلاقی داشتند، در حالی‌که این درصد در گروه زنان روسپی ۴۰ درصد بوده است. پس، می‌توان نتیجه گرفت که بین وجود انحرافات اجتماعی و اخلاقی والدین و روسپی‌گری رابطه وجود دارد.

فرضیه‌ی پنجم عنوان می‌کند که بین روابط صمیمانه‌ی والدین با فرزندان و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. بررسی آماری این متغیر که شامل موارد: میزان بیان احساسات، عقاید و انتقادات فرزندان، شوخی با والدین، میزان تنبیه بدنی، میزان تهدید، تحقیر و سرزنش شدن، میزان منع رفت و آمد با دوستان، میزان احترام والدین به نظرات فرزندان، نظارت و کنترل رفتار فرزندان، میزان اطمینان از کمک‌های والدین در مواجهه با مشکلات، میزان آزادی در تصمیم‌گیری در مورد مسایل شخصی، میزان مشورت با فرزندان، سخت‌گیری در مورد رابطه با جنس مخالف می‌شود، نشان می‌دهد که بین دو گروه با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به‌طوری‌که در گروه زنان روسپی روابط صمیمانه‌ی والدین با فرزندان در ۸۰ درصد آزمودنی‌ها به میزان متوسط تا خیلی کم بوده، ولی این درصد در گروه زنان عادی ۳۸/۳ می‌باشد.

در فرضیه‌ی ششم عنوان شد که بین مشاهده‌ی روابط جنسی والدین و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. بررسی آماری این متغیر نشان می‌دهد که بین دو گروه از این نظر با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به‌طوری‌که در زنان عادی ۷۶/۷ درصد اصلاً شاهد چنین روابطی نبوده‌اند، ولی در زنان روسپی این درصد ۵۶/۷ بوده است و این امر نشان می‌دهد که اگر والدین در برقراری روابط جنسی رعایت موازین تربیتی و اخلاقی را نکنند، در روسپی شدن فرزندان تأثیر دارد.

فرضیه‌ی هفتم عنوان می‌کند که بین نوع سرپرستی و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. بررسی آماری این متغیر نیز نشان می‌دهد که بین دو گروه از این نظر یعنی این که بین افرادی که دوران کودکی یا نوجوانی خود را کنار والدین زندگی کرده‌اند و آنهایی که در کنار یکی از آنها بوده و یا هر دو را از دست داده‌اند، با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد،

به طوری که در زنان روسپی ۶۰ درصد آنان با یکی از والدین زندگی کرده‌اند (به علت قهر، طلاق یا فوت) و یا هر دو را بر اثر فوت از دست داده‌اند، در حالی که این درصد در زنان عادی ۲۰/۶ می‌باشد.

در فرضیه‌ی هشتم عنوان شد که بین تعداد افراد خانواده یا به عبارت دیگر بعد خانوار و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. بررسی آماری این متغیر نیز نشان می‌دهد که بین دو گروه از این نظر با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، که این امر احتمالاً ناشی از پایین بودن حجم نمونه است.

در فرضیه‌ی نهم عنوان شد که بین ازدواج مجدد والدین و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. بررسی آماری این متغیر نیز نشان می‌دهد که بین دو گروه از نظر ازدواج مجدد با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به طوری که در ۸۱/۷ درصد آزمودنی‌ها در گروه زنان عادی، والدین دارای ازدواج مجدد نداشته‌اند، ولی این درصد در گروه زنان روسپی ۸۰ می‌باشد.

فرضیه‌ی دهم عنوان می‌کند که بین روابط صمیمانه‌ی والدین با یکدیگر و روسپی‌گری رابطه وجود دارد. بررسی آماری این متغیر که شامل موارد: میزان علاقمندی والدین به همدیگر، میزان احترام متقابل بین والدین، هماهنگی در تربیت فرزندان، مشورت کردن در خصوص امور خانه، درگیری لفظی والدین (تحقیر، توهین، تهمت و تهدید)، درگیری فیزیکی (کتک‌کاری)، پنهان کردن مسایل از یکدیگر، مقایسه کردن یکدیگر با همسر دیگران، بیان احساسات، عقاید و انتقادات نسبت به یکدیگر، قردانی و تحسین یکدیگر و همراهی در خرید وسایل خانه می‌شود، نشان می‌دهد که بین دو گروه با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به طوری که در ۶۸/۴ درصد آزمودنی‌ها در گروه زنان عادی، میزان روابط صمیمانه‌ی والدین با همدیگر زیاد تا خیلی زیاد بوده، ولی در گروه زنان روسپی ۲۴ درصد می‌باشد. پس، می‌توان گفت که میزان روابط صمیمانه‌ی والدین با روسپی‌شدن فرزندان رابطه‌ی عکس دارد و هر چه رابطه‌ی بین والدین صمیمی‌تر باشد، احتمال روسپی‌شدن فرزندان کمتر است.

راهکارها و راهبردها

با توجه به این که نیاز است این معضل از جنبه‌های دیگر نیز شناخته شود، لذا پژوهش‌های زیر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد:

- بررسی رابطه‌ی روسپی‌گری با دیگر جرایم و انحرافات اجتماعی
- بررسی کیفیت زندگی زنان روسپی در سنین بالای ۵۰ سال
- بررسی تأثیر روسپی‌گری بر شرایط زندگی فرزندان روسپیان

همچنین با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادهای زیر در جهت رفع یا کاهش اثر عوامل خانوادگی بر روسپی‌شدن آرایه می‌گردد:

در سطح پیشگیری:

- آموزش والدین از طریق رسانه‌های عمومی، مدارس، برگزاری سخنرانی در فرهنگ‌سراها و اماکن عمومی در خصوص نحوه‌ی ارتباط با همسر و فرزندان و توجیه این مطلب که ارتباط نامناسب در خانواده یا عدم آن چه نقشی در رفتارهای فرزندان دارد. همچنین آموزش مذهب در واکنش‌کردن اعضای خانواده در مقابل انحرافات.
- اجباری نمودن آموزش‌های پیش از ازدواج و آرایه‌ی خدمات مشاوره‌ای قبل از ازدواج در زمینه‌ی مهارت‌های زندگی و مهارت‌های ارتباطی زوجین و تأثیر طلاق بر انحراف فرزندان، تا زوجین با آگاهی کامل اقدام به ازدواج نموده و با کاهش میزان جدایی‌ها و طلاق از اثرات آن بر فرزندان پیشگیری شود.
- بالا بردن آگاهی‌های عمومی در خصوص علایم ظاهری و ویژگی‌های رفتاری معتادان و یا افرادی که دارای انحرافات اجتماعی- اخلاقی هستند، تا از ازدواج فرزندان با چنین افرادی جلوگیری شود.
- آموزش والدین در خصوص ازدواج اجباری فرزندان و یا ازدواج‌هایی که بدون تحقیقات کافی در خصوص طرف مقابل (اعتیاد، انحرافات اجتماعی- اخلاقی) صورت می‌گیرد که منجر به بروز اختلافات خانوادگی شدید شده و نهایتاً با جدایی زوجین تأثیر بر انحراف فرزندان به ویژه روسپی‌شدن دختران دارد.

در سطح زمان:

با توجه به این که بسیاری از زنان و دخترانی که به سمت این موضوع کشیده شده‌اند، از روابط خانوادگی مناسبی برخوردار نبوده‌اند، لذا به‌نظر می‌رسد که این افراد در زمینه‌ی مهارت‌های ارتباطی و مقابله‌ای دچار ضعف باشند و آموزش آنها در این زمینه لازم به‌نظر می‌رسد.

منابع فارسی

- اجتهادی، م. (۱۳۸۲). دایره‌المعارف زن ایرانی. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی. وزارت علوم و تحقیقات و فناوری. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری. ج ۲.
- آزاد، ح. (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی روانی. مؤسسه انتشارات بعثت.

- بولتن، ر. (۲۰۰۴). جهانی‌شدن تجارت سکس. ترجمه‌ی: ب. کیوان. www.hastia.org
- خاکپور، م. م. (۱۳۵۴). جرم‌شناسی زنان. مؤسسه عطایی.
- دورانت، و. (۱۳۶۵). تاریخ تمدن یونان باستان. ترجمه‌ی: امیرحسین آریان‌پور. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ستوده، ه. ا. (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات آوای نور.
- سختوت، ج. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. دانشگاه پیام نور.
- سروستانی، ر. ا. (۱۳۷۲). فاصله فرروماندگی تا فرومایگی. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- سلیمی، د؛ داوری، م. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجروی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شام بیاتی، ه. (۱۳۷۲). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات پژنگ.
- شرافتی پور، ج. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران. معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا.
- شفرز، ب. (۱۳۸۳). مبانی جرم‌شناسی جوانان. ترجمه‌ی: کرامت الله ستوده. نشر نی.
- صابری، ز. (۱۳۸۲). بررسی ویژگی‌های خانوادگی، اجتماعی زنان روسپی در مقایسه با زنان غیر روسپی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی).
- عادلیان راسی، ح. (۱۳۷۷). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر روسپی‌گری بین زنان ۱۵ تا ۳۰ سال مرکز بازپروری حریت. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد).
- فرجاد، م. ح. (۱۳۶۹). روانشناسی و جامعه‌شناسی جنایی. تهران: نشر همراه.
- فرمانروائیان، س. (۱۳۴۹). روسپی‌گری در تهران. آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- کامکار، م؛ جباریان، ب؛ فتاحی، م. (۱۳۸۱). روسپی‌گری و بی‌مبالاتی جنسی، تفاوت و تشابه. انجمن جامعه‌شناسی ایران. اولین همایش آسیب‌های اجتماعی.
- کی‌نیا، م. (۱۳۷۰). مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ج ۱.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی: منوچهر صبوری. نشر نی.
- هنری ماسن، پ. (۱۳۷۳). رشد و شخصیت کودک. ترجمه‌ی: مهشید یاسایی. چاپ سعدی.